



**مرجیان که بودند و چه گفتند؟**

**دکتر علی نقی منزوی**

مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۶۱، سال سیزدهم، شماره پنج، آذرماه ۱۳۵۴،

دی قعدة ۱۳۹۵، نوامبر ۱۹۷۵م، برگه ۸ - ۱۳

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

۱	مُرجیان که بودند و چه گفتند؟
۱	مقدمه
۱	مُرَجَّه
۲	جنبش‌های فکری
۴	ارجا و وعید؛ یا بیم و امید
۴	ریشه‌اندیشه‌مورد اختلاف
۴	الف) در باره قوانین و احکام
۶	ب. در مورد کفر و دین
۷	چگونگی بروز و گسترش این اندیشه
۷	میان دو خاندان امیه و هاشم
۸	مُرجیان و شیعه
۹	کتاب ایضاح فضل شادان
۱۱	چکیده سخن
۱۳	کتاب‌نامه
۱۳	نمایه کتاب و مقاله

مُرَجَّیان که بودند و چه گفتند؟

## مُرَجَّیان که بودند و چه گفتند؟

دکتر علی نقی منزوی

مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۶۱، سال سیزدهم، شماره پنج، آذرماه ۱۳۵۴، ذی قعدة ۱۳۹۵، نوامبر ۱۹۷۵م،

برگه ۸-۱۳

مقدمه

مُرَجَّه

در سه سده نخستین پس از یورش عرب بر ایران، که دوران تکامل و شکل گرفتن مذهب رسمی و دولتی سنی می باشد، فرقه‌های بی‌شمار پدید آمده و از میان رفته‌اند؛ یا به تعبیر درست‌تر همه آن‌ها، در پایان دوره، به مرور زمان در یک بوته ذوب شده، مذهب رسمی سنی قرن چهارم را پدید آوردند.

گفتم به تعبیر درست‌تر؛ زیرا که نویسندگان تاریخ ملل و نحل هر یک از این فرقه‌ها را از میان رفته و نابود شده، اعلام می‌کنند و لیدران ایشان را محکوم و مطرود و خارج از جامعه مسلمان سنی می‌شمردند، ولی در واقع همان آراء و افکار فرقه‌های گوناگون بود که مذهب رسمی سده چهارم به بعد را تشکیل داد. بنابر آن چه در متون تاریخی اسلام ثبت شده، میان دسته‌بندی‌ها و اختلاف‌های گروهی در نخستین سده اسلام با دسته‌بندی‌ها در سده‌های بعد چند قرن چشم‌گیر هست:

۱- در سده اول بر خلاف سده‌های بعد، دو طرف اختلاف خود عرب‌ها هستند.

۲- موضوع اختلاف بیشتر جنبه سیاسی داشته، و نزاع بر سر رهبری و ریاست است و جنبه ایده‌ئولوژیک آن کم‌رنگ می‌باشد، در صورتی که در سده‌های بعد نمای ایده‌ئولوژیک آن روشن‌تر از باطن سیاسی و اقتصادی آن است.

۳- یگانه حاکم و وسیله حل اختلاف در آن دوره حتی در کوچک‌ترین اختلاف‌ها شمشیر می‌بود، اما در سده‌های بعد به سبب فرونشستن جنگ‌ها، زبان و قلم تا حدی جای شمشیر را بگرفت و وظیفه شمشیر با تأدیب مخالفان حاکم منحصر شد.

دکتر علی نقی منزوی

مُرَجَّیان که بودند و چه گفتند؟

۲

در سه قرن اول اعراب که تازه به شهرها ریخته بودند، به کلی از عقاید پیچ و خم دار خالی بودند با برخورد به هر مشکلی برای ایشان مسأله‌ای نوین مطرح می‌شد، پس تا هنگامی که این مشکل به منافع ایشان لطمه نمی‌زد، نسبت بدان بی‌تفاوت بودند، اما همین که با منافع ایشان تماس می‌گرفت، برای آن حکمی صادر می‌کردند و چون عامه ایشان حکم غیر الاهی را واجب‌الاجرا نمی‌شمردند، ناچار احکام صادره را معنعن نموده به صورت زنجیره حدیث به پیغمبر نسبت می‌دادند و اگر منافع دو گروه از ایشان در مسأله‌ای اختلاف پیدا می‌کرد، هریک نظر خود را به همان ترتیب به صورت حدیث‌های متناقض در می‌آوردند و آخرین وسیله قطع نزاع همان شمشیر بود.

### جنبش‌های فکری

پس از فروکش کردن یورش‌ها، ایرانیانی که توانسته بودند، جانی به سلامت بدر برند، خود را زیر پرچم ولای این؛ یا آن قبیله عرب در آورده، زندگی جدیدی را بنا نهادند و در میان ایشان دانشمندان بسیار بودند که پس از فرونشستن غوغا به صورت برده؛ یا نیم (مولا) قدم به جامعه نوین نهاده بودند، اما در آن نسل اول به هیچ یک از چنین افراد حق اظهار نظر علمی و عقلی داده نمی‌شد. اینان تنها می‌توانستند، چنان که در مورد عکرمه (کاوه، شماره ۵۵)<sup>۱</sup> دیدیم به صورت مشورت‌دادن از پشت پرده به ارباب؛ یا نقل قول کردن از ارباب خود مطالبی را بیان دارند و اگر مسأله جنبه عمومیت می‌یافت و به صورت گروه‌بندی در می‌آمد، حاکم مطلق و فیصل دهنده در آن شمشیر می‌بود. از این‌رو، همین نقل قول‌ها نیز نمی‌توانست به آن اختلافات صورت کاملاً ایده‌تولوژیک بدهد.

در این گونه اختلاف‌ها، غالباً یکی از دو طرف اختلاف موالی ایرانی بودند، اما باز کار خود را به ریاست و پرچم‌داری یک؛ یا چند عرب انجام می‌دادند و در طرف دیگر فرمانروایان بزرگ‌تر عرب قرار داشتند. نمونه این گونه اختلاف و گروه‌بندی‌ها در

<sup>۱</sup> مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۵۵ - ۵۶، سال ۱۲، شماره ۵ - ۶، بهمن ۱۳۵۳، ژانویه ۱۹۷۵، محرم ۱۳۹۵، برگه ۲۳ - ۲۵، حبر الأمة، علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ).

## مُرَجَّیان که بودند و چه گفتند؟

۳

نهضت کیسانیان عراق دیده می‌شود که در (کاوه، شماره ۳۶)<sup>۱</sup> اشارتی بدان رفت که در یک سو موالی ایرانی به رهبری مختار ثقفی و طرفداران حسین بن علی و در سوی دیگر خاندان حاکم بنی‌امیه و مهاجمین عرب در عراق و شام بودند، اما در سده‌های بعد که خلفا مجبور شدند مسلمانی بسیاری از ایرانیان را بپذیرند و طبعاً تا حدودی حق اظهار نظر بدیشان بدهند، جنبه ایدئولوژیک برخی از اختلاف نظرها آشکار گردید.

در این مرحله غالباً در هر دو طرف اختلاف موالی (نیم بردگان) ایرانی قرار داشتند، زیرا غالب آن مسائل که در این دوره مورد بحث و اختلاف قرار می‌گرفت، پیش از اسلام در مجامع علمی ایران مطرح بوده، کما بیش حلاجی شده، گروه‌های گوناگون هر یک موضوع مناسب با منافع طبقاتی و سیاسی خود را در آن معین کرده بودند، و به صورت باورها در مغز ایشان جاگزین شده بود. نمونه چنین اختلاف‌ها را در مسأله ارزش کتب مقدس و از جمله قرآن می‌بینیم که بدین صورت مطرح شد:

۱- آیا کتب مقدس (اوستا، ارتنگ، تورات، انجیل) مانند خداوند ازلی و ابدی هستند؛ یا مخلوق و حادث می‌باشند؟

۲- تأثیر پیغمبران در این کتب چه بوده؟ کتاب مقدس انشای خداست؛ یا انشای پیغمبر؟

۳- آن چه از این کتب به دست مردم است با اصل آن چه نسبتی دارد؟ آیا درست به جا مانده؟ یا در آن‌ها دست رفته است؟ (مسأله تحریف)؛ البته این مسأله پیش از آمدن عرب در ایران مطرح بوده است و پس از آمدن ایشان، مسأله قرآن نیز بر موضوع این بحث افزوده شده و مقام اول را در بحث‌ها اشغال کرد که خود نیازمند مقاله‌ای جداگانه است.

نمونه دیگر از مسائل مورد اختلاف، مسأله معجزه است که در (کاوه، شماره ۵۲ - ۵۴)<sup>۲</sup> اندکی مورد بحث قرار گرفت و در این جا نمونه دیگری از آن اختلاف‌ها را که سبب پیدایش دسته‌بندی و منجر به جنگ‌ها و شورش توده‌ها شد، مورد گفتگو قرار می‌دهیم:

<sup>۱</sup> اشراق هندوایرانی و نبوت اسرایلی، علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۳۶، سال ۹، مرداد ۱۳۵۰، جمادی‌الثانی ۱۳۹۱، اوت ۱۹۷۱، برگه‌های ۲۱۸ - ۲۲۴.

<sup>۲</sup> معجزه (۱) (۲)، علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۵۲ و ۵۳، مرداد ۱۳۵۳، رجب ۱۳۹۴، مه ۱۹۹۳، سال دوازدهم، شماره دوم و سوم، برگه ۱۶ - ۲۵؛ مجله کاوه، مونیخ، شماره ۵۴، مهر ۱۳۵۳، رمضان ۱۳۹۴، سپتامبر ۱۹۷۴، سال دوازدهم، شماره چهارم، برگه ۳۲ - ۴۴.

مُرجیان که بودند و چه گفتند؟

ع

## ارجا و وعید؛ یا بیم و امید

آیا ایمان و اسلام کار دل است؟ یا کار اندام آدمی است؟

پاسخ بدین پرسش از سده چهارم که باورها شکل گرفته است تا امروز چنین است که: اسلام هم به نیت بستگی دارد و هم به عمل، اما در سه قرن اول، هنوز مسأله بدین سادگی حل نشده بود.

**وعیدیان / بیم دهندگان می گفتند:** اسلام هیچ ربطی به نیت دل ندارد، هر کس آداب و رسوم و مقررات را به مورد اجرا نهد، مسلمان است و آن کس که در گوشه‌ای از آن سهل‌انگاری ورزد، کافر مطلق است و خونس هدر باشد. این گونه سخت‌گیری اگر در باره صحرانوردان قابل اجرا باشد برای مردم شهرنشین قابل تحمیل نیست. از این رو، موجب پیدایش واکنش گردید.

## ریشه اندیشه مورد اختلاف

برای آن که مسأله بیشتر روشن گردد، باید پرتوی بر ریشه‌های فکری میان مُرجیان (و دیگر گنوسیست‌ها) از یک سو و سلفیان از سوی دیگر افکنده شود:

## الف) در باره قوانین و احکام

۱- اندیشه مردم هندوایرانی همه احکام و قوانین مدنی را زاده مغز انسان می‌شمرد، و از این روی آن‌ها را قابل جرح و تعدیل و نسخ می‌دانست، اما سامیان قوانین را الهی و تغییرناپذیر می‌دانستند<sup>۱</sup>.  
 واضع قانون در ایران پیش از اسلام پادشاه بود که ادعای علم اشراق الهی می‌داشت و چنین فرض می‌شد که فیض الهی شاه را، از وضع نادرست، معصوم می‌دارد.

<sup>۱</sup> تحقیق ماللهند، ابوریحان بیرونی.

مُرجیان که بودند و چه گفتند؟

۵

۲- پس از آمیخته شدن افکار آریایی<sup>۱</sup> و سامی، که در اثر یورش عرب بر ایران به اوج خود رسید، گنوسیست‌های ایرانی مسلمان شده، به ناچار احکام و قوانین را به دو دسته تقسیم کرده بودند، یکی را سمعی و به گفته سجستانی، آن را وصفی نامیدند و الاهی بودن آن‌ها را پذیرفتند و دیگری را عقلی نامیده، بشری دانستند.<sup>۲</sup>

احکام عبادت‌ها و پرسش‌های گوناگون سمعی (وصفی) و به تعبیر دیگر «حق الله» نامیده شد.

احکام معاملات میان مردم را «حق الناس» نامیدند؛ زیرا که حُسن و قُبْح آن‌ها عقلی است و پیش از آمدن شرع استوار بوده است.<sup>۳</sup> اینک چند نمونه از آرای گنوسیست‌های مسلمان که نماینده افکار هندوایرانی در اسلام هستند:

قَدَریان و برخی از معتزله اصولاً احکام را الاهی نمی‌شمردند.<sup>۴</sup>

گروهی از مرداریان<sup>۵</sup> ارث را قانون الاهی نمی‌شمردند.<sup>۶</sup>

اسماعیلیان الموت قوانین ازدواج و قوانین بردگی را الاهی نمی‌شمردند متناسب احتیاج روز جامعه تغییر می‌دادند<sup>۷</sup> (فصول سیدنا).

۳- چون سُنّیان که نماینده افکار سامی در اسلام هستند، به تبعیت از یهود، میان قوانین سمعی (حق الله) و قوانین عقلی (حق الناس) فرقی نمی‌فهمیدند و همه را یک سره الاهی می‌شمردند. از این رو، گنوسیست‌های مسلمان (مُرجیان، صوفیان و شیعیان) را به اباجی‌گری، یعنی هرج و مرج طلبانی که قانون را مقدس نمی‌شمردند، متهم می‌کردند.

<sup>۱</sup> متن مقاله: آری.

<sup>۲</sup> اصول الدین، بغدادی، برگه ۱۵۶؛ و اثبات النبوات، سجستانی، برگه ۱۷۸.

<sup>۳</sup> الفرق بین الفرق، بغدادی، برگه ۲۰۴.

<sup>۴</sup> همان جا، برگه ۱۲۸ و ۱۵۲.

<sup>۵</sup> شاید مداریان باشد.

<sup>۶</sup> الفرق بین الفرق، بغدادی، برگه ۱۶۵.

<sup>۷</sup> فصول سیدنا، هفت باب بابا سیدنا، در دو رساله مختصر در حقیقت مذهب اسماعیلیه، یعنی هفت باب بابا سیدنا، و مطلوب المؤمنین، چاپ و ایوانوف، بمبئی ۱۹۳۳.



مُرجیان که بودند و چه گفتند؟

۶

در صورتی که این مردم منکر قانون مدنی نبوده؛ بلکه منکر الاهی بودن و جمود و ابدیت آن می‌بوده آن را بنا بر نیازمندی‌های روزگار قابل تغییر می‌شمردند.<sup>۱</sup>

### ب. در مورد کفر و دین

۴- اندیشه هندوایرانی علم و ایمان را دارای یک معنی و جهل و کفر را نیز مترادف یکدیگر و ضد آن می‌شمرد<sup>۲</sup>، اما سامیان ایمان را به معنی تسلیم و اجرای دستورالعمل‌ها و انجام دادن پرسش‌های اندامی می‌دانسته و کفر را به معنی سرپیچی از آن‌ها می‌شمردند.

۵- حال اگر ایمان همان علم باشد، پس کار دل خواهد بود، نه کار اندام، پس ترک پرسش‌ها و عبادت‌های اندامی کفر نباشد<sup>۳</sup>. از این‌رو، ادبیات عرفانی ایران که بازمانده افکار گنوسیست‌های مسلمان‌شده سه قرن آغاز اسلام است، پُر از برتری دادن ذکر خفی بر ذکر جلی و پست شمردن عبادت‌های ظاهری و اندامی و مسخره کردن آن‌ها می‌باشد و به عکس ایشان سُنّیان و خوارج که بازماندگان وعیدیان قرن‌های اول اسلام‌اند، هر گناه را موجب کفر می‌شمردند.

۶- پس از عقب‌نشینی گنوسیست‌ها در برابر فشار مذهب دولتی سُنّی که در نتیجه آن مجبور به پذیرش احکام سمعی (عبادت‌ها) شده بودند، تازه وجوب عبادت را به صورت تمرین پذیرفتند و انجام دادن آن را برای رسیدن به علم و ایمان لازم شمردند؛

**بنابراین، می‌گفتند:** پس از وصول انسان به حقیقت معرفت، احکام عقلی (حق الناس) به قوت خود باقی خواهد ماند، اما احکام سمعی (حق الله) که تمریناتی بیش نیستند بی‌ارزش شده ساقط می‌شوند<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> اثبات النبوات، سجستانی، برگه ۱۷۷.

<sup>۲</sup> نک: مقالات اشعری، ج ۲، ۱۵۱.

<sup>۳</sup> نک: مقالات اشعری، ج ۱، ۱۹۸؛ و الفرق، بغدادی، برگه ۱۴۴ و ۲۰۴.

<sup>۴</sup> مقالات اشعری، ج ۱، ۸۱، ۳۱۹؛ نامه‌های عین‌القضات، ج ۲، ۱۹۷، ۲۲۱، ۳۴۰.



مُرجیان که بودند و چه گفتند؟

۷

ریشه هندی این اندیشه در پانوش ۱۴۴ بخش ۴ درس‌هایی در باره اسلام از گلدزیهر<sup>۱</sup> دیده شود. ته‌مانده این اندیشه نیز نزد شیعه بدین صورت دیده می‌شود: ترک کردن حق الله با توبه قابل شست و شو می‌باشد، اما ضایع کردن حق الناس جز با رضای صاحب حق از میان نمی‌رود.

## چگونگی بروز و گسترش این اندیشه

### میان دو خاندان امیه و هاشم

این بود گوشه‌ای از موارد اختلاف ریشه فکر میان مهاجمان تازه وارد عرب و بومیان ایرانی؛ لیکن چنان که تاریخ نشان می‌دهد، در سده اول هجری هیچ گونه حقی برای اظهار نظر نداشت و ناچار بود اندیشه انسانی سهل‌گیری را به زبان عربی و از زبان بزرگان عرب بیان کند و برای اجرای آن بایستی پشتیبانی برخی فرمانروایان عرب جلب می‌شد.

در این هنگام میان دو خاندان بزرگ عرب بنی‌امیه و بنی‌هاشم جنگ درگیری بود. بنی‌هاشم که خاندان خود پیغمبر می‌بودند سرزمین‌های شمال و شرق شبه جزیره عرب، یعنی ایران را در دست داشتند و خاندان امیه سرزمین‌های شمال و غرب شبه جزیره را زیر تسلط گرفته بودند و هر یک از این دو خاندان، طرفداران دیگری را کافر و واجب‌القتل می‌شمرد، ولی برخی از سرداران عرب که در مناطق دور دست خراسان هنوز مشغول فتوحات و گردآوری غنایم بودند، می‌خواستند پای خود را از آن کشاکش به دور نگاه دارند. از این رو، حاضر به تکفیرکردن هیچ یک از دو طرف نبودند.

موالی آریایی خراسان، یعنی همان بخشی از مردم بومی که با حفظ ایده نولوژی هندوایرانی خود به اسلام گرویده بودند و می‌خواستند آراء مترقی‌تر خود را به مهاجمان بفهمانند و ایشان را آرام سازند، از این موقعیت استفاده کرده از زبان سران بی‌طرفی گرای عرب گفتند: آری، هیچ یک کافر نیستند و حکم آنان روز قیامت با خدا است، پس برای پشتوانه این سخن طبق

دکتر علی نقی منزوی

<sup>۱</sup> نک: درس‌هایی درباره اسلام، گلدزیهر، ترجمه علی نقی منزوی، ج ۱، ۴۱۲، پانوش بخش چهارم، شماره ۱۴۴.

مُرجیان که بودند و چه گفتند؟

۸

معمول آیتی هم از قرآن یافتند که می‌گوید: باید [سرنوشت آنان را] به فرمان خدا واگذار کرد (ارجاء نمود). او اگر خواهد عذاب می‌کند و اگر خواهد می‌بخشاید.<sup>۱</sup>

طرفداران این اندیشه سهل‌گیرانه به مناسبت واژه مُرَجَوْنَ که در آیت مورد استنادشان آمده «مرجی = واگذارکننده» نامیده شدند و چون مخالفان سخت‌گیر ایشان بعدها به آیه‌های «وعید = بیم‌دهنده» در قرآن استناد می‌کردند به نام «وعیدی» شهرت یافتند و بدین ترتیب این اندیشه هندوایرانی سهل‌گیرانه صورت عربی «مرجی» به خود گرفت تا آن جا که برخی محمد حنفیه را نخستین مرجی خواندند.<sup>۲</sup>

اما **بغدادی آشکارا می‌گوید:** نظریه مُرجیان درباره «عدل» از ثنویان گرفته شده و نظریه «توحید» ایشان به معنی تعطیل است.<sup>۳</sup>

باید متوجه بود که سامیان، نظر اشراقیان را که صفات جسمانی را از خدواند سلب می‌کردند، به معنی از کار انداختن (تعطیل) خدایی خدا شمرده چنین خدایی را هم چون شیر بی‌سر و شکم و دم (معدوم) می‌پنداشتند.

## مُرجیان و شیعه

بنابر قول طبری اندیشه مرجی‌گری، چنان که گذشت، نخستین بار در خراسان شرقی پدیدار گشته و زیر سایه تازیانی که میان علی و معاویه بی‌طرف مانده بودند، رشد یافت.

**از سوی دیگر می‌دانیم:** در همین هنگام شیعیان طرفدار بنی‌هاشم و سنیان طرفدار بنی‌امیه و مخالفان هر دو (خارجیان) هر سه «وعیدی» به شمار می‌رفتند؛ زیرا که حاضر نبودند از تکفیر یکدیگر دست بردارند و نیز می‌دانیم همین جنگ میان امویان و هاشمیان راه تنفسی برای آریاهای بومی عراق پدید آورده بود.

<sup>۱</sup> Z: قرآن کریم، سوره نهم، توبه، آیت ۱۰۶: وَ آخِرُونَ مُرَجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ / و برخی دیگر، آن‌هایی اند که سرانجام و کارشان به فرمان خدا واگذار شده است؛ یا آنان را عذاب کند؛ و یا از گناهشان درگذرد و خدا دانا و حکیم است.

<sup>۲</sup> طبقات ابن سعد، ج ۵، ۶۷.

<sup>۳</sup> الفرق بین الفرق، بغدادی، برگه ۲۰۶.

مُرجیان که بودند و چه گفتند؟

۹

ایشان طرف بنی‌هاشم را گرفته با امویان که طبقه حاکم عرب آن روز بودند، می‌جنگیدند و این بی‌طرفی هم‌وطنان خراسانی خود را نمی‌پسندیدند. این اختلاف عمل سیاسی که گنوسیست‌های غرب ایران را به صورت غالی / تندرو و رفض‌کنندهٔ رژیم خلفا، گنوسیست‌های شرق را به صورت میانه‌رو و غیر رافض در می‌آورد، سبب شد که پس از واژگون شدن امویان نیز هنگامی که وعیدیان سُنی (امویان) از میان رفتند و اختلاف «مرجئ و عیدی» به صورت آکادمیک درآمد، بازهم، با وجود وحدت‌نظر فلسفی میان گنوسیست‌های خاور و باختر، این دو گروه در برابر یکدیگر باقی بمانند، شعرها در هجو یکدیگر سروده کتاب‌ها در ضد یکدیگر بنگارند.

### کتاب ایضاح فضل شادان

از آن چه گذشت می‌توان به اهمیت کتب و آثاری که هر یک از این دو گروه گنوسیست در آن دوران ضد یکدیگر نگاشته‌اند، پی برد. یکی از چنین کتاب‌ها در ذریعه یاد شده است و ظاهراً اکنون در دست نباشد<sup>۱</sup> و دیگری کتابی به نام ایضاح است که به فضل بن شادان نیشابوری (د: ۲۶۰ ق / ۸۷۳ م) منسوب است.

این کتاب را اخیراً دانشگاه تهران با تصحیح آقای جلال محدث ارموی استاد دانشکدهٔ الهیات با پیشگفتار و حواشی مفصل و فهرست‌های گوناگون چاپ و منتشر کرده است. اهمیت این کتاب نه تنها در آن است که از قدیم‌ترین منابع تاریخ مذهب شیعه است و گوشه‌هایی از روابط فکری آنان را که قشر روشنفکر مسلمانان آن دورهٔ ایران را تشکیل می‌دادند، با مذهب سُنی حاکم روشن می‌سازد؛ بلکه پرتوی نیز بر تاریخ تطور فکر ایران در آن سه قرن تاریکی و سکوت می‌افکند و نمودار روشنی از وضع شکل‌گیری اسلام در آن عصر است و کوشش‌هایی را که ایرانیان گنوسیست برای شکل‌دادن به اسلام و یک‌نواخت کردن قوانین آن و حل تناقضات عقاید عرب‌ها و دورکردن خرافات حشویان سلفی از آن و بالاخره پایان‌دادن به هرج و مرج عقیدتی و قانونی در اسلام انجام می‌دادند، روشن می‌سازد.

دکتر علی‌نقی نیشابوری

<sup>۱</sup> مناظرهٔ الشیعی و المرجئی، دربارهٔ مسح بر روی پا [آخرین مرحلهٔ وضوگرفتن در میان شیعه]، خوردن مارماهی [بدون فلس] و جزآن، نوشتهٔ ابویحیی احمد فرزند محمد فرزند داود جرجانی. نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ ق) آن در کتاب الکنی یاد کرده است (ذریعه، ج ۲۲، ۲۹۶، شمارهٔ ۷۱۶۴).

مُرجیان که بودند و چه گفتند؟

۱۰

ابن‌شاذان<sup>۱</sup> نگارندهٔ این کتاب هر چند از نیشابور است، اما نمایندهٔ افکار گنوسیست‌های شیعی غرب ایران می‌باشد. او یک شیعی سنت‌زده است و به قول ابن‌ندیم چند کتاب نیز به مذاق سُنیان نگاشته است. او بر عُلات شیعه و باطنیان هم ردّ نگاشته است.

او در همین کتاب ایضاح نیز امامان را تا مرز یک راوی از پیغمبر پایین آورده است (برگهٔ ۴۶۱).

او در این اثر خود نه تنها بر سُنیان سلفی؛ بلکه بر گنوسیست‌های میانه‌رو (غیر رافضی)، مانند جهمیان (برگهٔ ۴) و معتزله (برگهٔ ۵)، و مُرجیان (برگهٔ ۴۴ - ۴۷؛ و ۹۳ - ۲۲۹) نیز می‌تازد و این بخش بیشتر کتاب او را گرفته است.

اعتراض سُنی‌مآبانه او بر مُرجیان این است که ایشان قائل به رأی و اجتهادند (برگهٔ ۱۰۴ و ۲۲۹)، در صورتی که اجتهاد مایهٔ امتیاز شیعیان بر سُنیان است.

اعتراض دیگرش آن است که مرجیان می‌گویند قرآن شامل همه قوانین لازم برای جامعه نبوده و احکام را یاران پیغمبر کم‌کم وضع کرده‌اند، در صورتی که به عقیدهٔ شیعه این قوانین به وسیلهٔ شرح و تأویل و اجتهاد امامان معصوم بیان شده است (برگهٔ ۱۰۸ - ۱۰۹) و قوانین موضوع از طرف یاران نالایق و بی‌عصمت را ناقص و متناقض می‌خواند (برگهٔ ۱۱۴، ۱۲۹، ۲۷۹، ۳۱۵ - ۳۴۶) و تناقض‌های آن را نشان می‌دهد.

هم‌چنین به نژادپرستی خلیفگان و دشمنی عمر با ایرانیان (برگهٔ ۲۴۹، ۲۵۲، ۲۸۰) و دشمنی او با مردم یمن (برگهٔ ۲۶۵) اشارت می‌کند.

مؤلف با همه سُنی‌زدگی که دارد، باز اعتراف می‌کند که اختلاف میان شیعه و مرجئه تنها جنبهٔ سیاسی دارد و نزاع ایشان بر سر حکومت علی؛ یا ابوبکر است و در مسائل فلسفی و عقاید اختلافی ندارند و هر دو ضدّ سلفیان هستند (برگهٔ ۱۰۲، ۲۹۶) سلفیانی که از یهود تقلید می‌کردند (برگهٔ ۴۵۶).

دکتر علی‌نقی میسرزوی

<sup>۱</sup> متن مقاله: شاذان.

مُرجیان که بودند و چه گفتند؟

۱۱

## چکیده سخن

از روابط میان شیعه و مرجئه که در کتب ملل و نحل نوبختی، اشعری، بغدادی، شهرستانی و دیگران و به ویژه همین کتاب ایضاح به دست ما رسیده، چنین می‌فهمیم که:

**اولاً:** اختلاف میان مرجیان و شیعه بیشتر شکل سیاسی داشته و بر سر حکومت اشخاص دور می‌زده است، از نظر فلسفی با هم اختلاف زیاد نمی‌داشته‌اند؛ زیرا که از سویی، سهل‌گیری مرجیان نسبت به فرمانروایان، اگر گفته طبری درست باشد، فقط در آغاز کار بوده است، پس از پیروزی بنی‌امیه بر بنی‌هاشم، این نظر سهل‌گیرانه مرجیان منحصر به توده‌های مردم بوده و برای حذف بار سنگین عبادات ظاهری و اندامی به کار می‌رفته است، اما نسبت به طبقه حاکم مانند شیعیان «وعیدی» بوده‌اند.

شورش توده‌های خراسان و ماوراءالنهر زیر پرچم سیاه مرجیان به رهبری حارث سریح مولای خراسانی (د: ۱۲۸ق / ۷۴۵م) و جنگ‌های چندین ساله او زیر شعار لغو جزیه از بومیان مسلمان شده و حق برابری با تازیان، که خود نیازمند مقاله جداگانه می‌باشد، شاهد آن است.

و از سوی دیگر «وعیدی» و سخت‌گیر بودن شیعیان نیز علیه فرمانروایان بوده است. ایشان خلیفگان را تکفیر می‌کردند نه توده‌های مردم جاهل پیرو ایشان را، نظر سهل‌گیرانه شیعه با مردم، در تحریم جنگ‌های مذهبی نزد ایشان که همواره مورد اعتراض سُنیان بوده است، دیده می‌شود<sup>۱</sup>.

کاستن ارزش عبادت‌های اندامی نزد اسماعیلیان، و جمع کردن نمازهای پنج‌گانه در یک وقت نزد نصیریان و سه وقت نزد دوازده امامیان، و تکیه شدید ایشان بر اصل اباحت، همان روش مرجیان می‌باشد.

**ثانیاً:** در این کشاکش‌ها گنوسیست‌های غرب (شیعی) به سبب آن که در زد و خورد‌های سیاسی و نظامی با سُنیان، تماس بیشتری با عرب‌ها می‌گرفته‌اند، به عقب‌نشینی‌های ایده‌ئولوژیک بیشتر وادار می‌شده‌اند، به طوری که آثار ایشان هویدا است، در برخی موارد از گنوسیست‌های خراسانی، عرب‌زده‌تر شده بودند.

<sup>۱</sup> ایضاح، برگه ۴۷۵؛ و نهج البلاغه، خطبه ۲۰۴؛ مقالات اشعری، ج ۱، ۱۱۷.

مُرجیان که بودند و چه گفتند؟

۱۲

گنوسیست‌های خاوری (مرجیان و قدریان) که هیكل ظاهری رژیم سیاسی خلفا را پذیرفته بودند، کمتر زیر فشار قرار گرفته، و در نتیجه اندیشه‌های فلسفه هندوایرانی خود را بیشتر نگاه داشته بودند و در پذیراندن آن اندیشه‌های نسبتاً مترقی خود، برتازیان، پیرومندتر بوده‌اند.

در پایان باید یک یادداشت تاریخی را نیز از مقدسی (۳۷۵ ق / ۹۸۵ م) در این جا بیاورم.

**او می‌گوید:** مردم دماوند مرجه مسلمان و موحد هستند و لذا هیچ گونه اعمال ظاهری مذهبی به جا نمی‌آورند و چون از ایشان پرسیده است: چگونه خلیفه مزاحم شما نمی‌شود؟

**پاسخ دادند** که ما ذکات می‌دهیم و خلیفه را با ما جز این کاری نیست (احسن التقاسیم چ دوگویه، برگه ۳۹۸). دور نیست که متلک معروف فارسی که: رهگذر هنگام نماز به دماوند درآمد و شنید موذن چنین بانگ می‌دهد:  
**می‌گویند:** اشهد انّ ...

**چون سبب جويا شد، گفتند:** در این شهر کسی آماده نبود، گفتن اذان را بر عهده گیرد، و ناچار یک تن نامسلمان را بدین کار گماشته‌اند، و او از قول مردم اذان می‌گوید.

**پایان**



## کتابنامه

## نمایه کتاب و مقاله

اثبات النبوة، سجستانی ابویعقوب اسحاق فرزند احمد (سده ۴هـ)، چ بیروت، فصل هشتم، مقاله پنجم؛ دیگر: اثبات النبوات، ابویعقوب سجستانی، تصحیح ویلفرد مادلونگ و پل واکر با مقدمه حسن انصاری، کتاب رایزن، تهران، ۱۳۹۵خ. اشراق هندوایرانی و نبوت اسرائیلی، علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۳۶، سال ۹، مرداد ۱۳۵۰، جمادی الثانی ۱۳۹۱، اوت ۱۹۷۱، برگه‌های ۲۱۸ - ۲۲۴.

اصول الدین، التبصرة البغدادية، عبدالقاهر فرزند طاهر بغدادی تمیمی (۴۲۹ق)، چاپ استانبول ترکیه، ۱۳۵۶ق، چاپ دوم دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۱ق.

انجیل

اوستا

الایضاح، فضل فرزند شاذان نیشابوری (د: ۲۶۰ق / ۸۷۴م)، تصحیح و مقدمه نگاری جلال الدین محدث ارموی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶خ.

التبصرة البغدادية، اصول الدین، عبدالقاهر فرزند طاهر بغدادی تمیمی (۴۲۹ق)، چاپ استانبول ترکیه، ۱۳۵۶ق، چاپ دوم دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۱ق.

تحقیق ما للهند من مقولة مقبولة في العقل أو مرذولة، بیرونی، ابوریحان محمد فرزند احمد (۳۶۳ - ۴۴۰ق)، به کوشش نظام الدین، حیدرآباد، دکن، هند، ۱۳۳۷خ / ۱۹۵۸م؛ تحقیق دکتر عبدالرحیم.

تورات

درس‌هایی درباره اسلام، ایگناس گلدزیهر (۱۸۵۰ - ۱۹۲۱م)، برگردان به پارسی علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، جلد یکم، چاپ بیروت، ۱۹۷۳م؛ جلد دوم، چاپ بنیاد ایران، تهران، ۱۹۷۷م؛ چاپ دوم: انتشارات کمانگیر، تهران، اسفند ۱۳۵۷.

مُرجیان که بودند و چه گفتند؟

۱۳

دکتر علی‌نقی منزوی



مُرجیان که بودند و چه گفتند؟

۱۴

- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثاني و العشرون، المقاليد - المنتخب، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۳ خ / ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۴ م.
- طبقات ابن سعد، طبقات الكبرى، ابن سعد واقدي (د: ۲۰۷ ق / ۸۲۲ م)، ابو عبدالله محمد فرزند سعد فرزند مَنيع (۱۶۸ - ۲۳۰ ق / ۷۸۴ - ۸۴۵ م)، دار صادر، بيروت.
- فِرْقُ الشَّيْعَةِ، ابو محمد حسن فرزند موسى نَوَيْخَتِي (سده ۴ هـ)، هلموت ريتز، مطبعة دولت، استانبول، ۱۹۳۱ م؛ برگردان محمد جواد مشكور، تهران، ۱۳۲۵ خ.
- الفرق بين الفرق و بيان فرقة الناجية منهم، عبدالقاهر فرزند طاهر فرزند محمد اسفراينی بغدادی (د: ۴۲۹ ق)، تصحيح محمد بدر، قاهره، ۱۹۱۰ م / ۱۳۲۸ ق؛ چاپ ديگر: تصحيح محمد الكوثري، قاهره، ۱۹۴۸ م؛ دارالآفاق بيروت، ۱۹۷۷ م؛ برگردان محمد جواد مشكور، ۱۳۳۰ خ؛ دارالجيل، بيروت، لبنان، ۱۹۸۷ م / ۱۴۰۸ ق.
- فصول سيدنا، هفت باب بابا سيدنا، در دو رساله مختصر در حقيقت مذهب اسماعيليه، يعنى هفت باب بابا سيدنا، و مطلوب المؤمنين، چاپ و ايوانوف، بمبئي ۱۹۳۳.
- فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ابوالعباس احمد فرزند علی فرزند عباس نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ ق)، رجال النجاشي، به کوشش موسى شبيري زنجاني، قم، مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۰۷ ق / ۱۳۸۲ خ.
- قرآن كريم.
- مجله كاوه، مونيخ، شماره رديف ۵۵ - ۵۶، سال ۱۲، شماره ۵ - ۶، بهمن ۱۳۵۳، ژانويه ۱۹۷۵، محرم ۱۳۹۵، برگه ۲۳ - ۲۵، حبر الأمة، علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ).
- مجله كاوه، مونيخ، شماره رديف ۶۱، سال سيزدهم، شماره پنج، آذرماه ۱۳۵۴، ذی قعدة ۱۳۹۶، نوامبر ۱۹۷۶ م، برگه ۸ - ۱۳، مرجیان که بودند و چه گفتند؟، علی نقی منزوی.
- مُرجیان که بودند و چه گفتند؟، علی نقی منزوی، مجله كاوه، مونيخ، شماره رديف ۶۱، سال سيزدهم، شماره پنج، آذرماه ۱۳۵۴، ذی قعدة ۱۳۹۶، نوامبر ۱۹۷۶ م، برگه ۸ - ۱۳.

مُرجیان که بودند و چه گفتند؟

۱۵

معجزه (۱)(۲)، علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، مجله کاوه، مونیخ، شماره ۵۲ و ۵۳، مرداد ۱۳۵۳، رجب ۱۳۹۴، مه ۱۹۹۳، سال دوازدهم، شماره دوم و سوم، برگه ۱۶ - ۲۵؛ مجله کاوه، مونیخ، شماره ۵۴، مهر ۱۳۵۳، رمضان ۱۳۹۴، سپتامبر ۱۹۷۴، سال دوازدهم، شماره چهارم، برگه ۳۲ - ۴۴.

مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، مقالات اشعری، علی فرزند اسماعیل اشعری، تصحیح هلموت ریتز، دارالنشر فرازنس شتاینر، چاپ ویسبادن آلمان، ۱۴۰۰ق.

الملک و النخل، محمد فرزند عبدالکریم شهرستانی (۴۷۹ - ۵۴۸ق)، چاپ مصر، ۱۹۴۵م؛ چاپ دیگر: دارالمعرفة للطباعة و النشر، بیروت، لبنان، ۱۹۷۲م؛ انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۶۴خ؛ دیگری پژوهش گیلانی. مناظرة الشیعی و المرئی، ابویحیی احمد فرزند محمد فرزند داود جرجانی. نجاشی آن در کتاب الکنی یاد کرده است نک: ذریعه، ج ۲۲، ۲۹۶، شماره ۷۱۶۴.

نامه‌های عین‌القضات همدانی، علی نقی منزوی، جلد دوم، عقیف عسیران، بیروت، ۱۹۷۲م، سپس تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷خ.

نامه‌های عین‌القضات همدانی، علی نقی منزوی، جلد سوم، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷خ.

نامه‌های عین‌القضات همدانی، علی نقی منزوی، جلد یکم، عقیف عسیران، بیروت، ۱۹۶۹م، سپس تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷خ.

نهج البلاغة، شرح ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله معروف به ابن‌ابی‌الحدید (۵۸۶ - ۶۵۶ق)، پژوهش محمد ابوالفضل ابراهیم، داراحیاء الکتب العربیة، عیسی الباب الحلبي و شرکاء.

ودا

دکتر علی نقی منزوی